

۶. عروس مسیح و مسکن ابدی ما: یک مطالعه کتاب مقدسی درباره اورشلیم جدید

عمق بخشی به ابدیت

لینک ویدیو در یوتیوب: <https://youtu.be/O3AhS16yyWY>

قرار ما با مرگ: یافتن امید در مسیح

کشیش اروین لوجتر از کلیسای موودی بایبل داستان بازرگان بغدادی را روایت می‌کند که خادم خود را برای انجام کاری به بازار فرستاد. پس از انجام وظیفه‌اش و در حالی که آماده ترک بازار بود، خادم از گوشه‌ای پیچید و ناگهان با بانوی مرگ روبرو شد. چهره او چنان عمیقاً او را ترساند که با عجله به خانه بازگشت. او این دیدار را برای اربابش تعریف کرد و اسب تیزترین را خواست تا هرچه دورتر از بانوی مرگ فرار کند، اسبی که او را پیش از تاریکی هوا به سومره برساند. بعد از آن بعدازظهر، خود بازرگان به بازار رفت و با بانوی مرگ روبرو شد. او از او پرسید: «چرا امروز صبح نوکرم را ترساندی؟» مرگ پاسخ داد: «نمی‌خواستم نوکر تو را بترسانم؛ خودم بودم که ترسیدم. از دیدن نوکر تو امروز صبح در بغداد متعجب شدم، زیرا قرار است امشب در سومره با او ملاقات کنم.»

تو و من قرار ملاقات با مرگ داریم. نمی‌توانیم از آن فرار کنیم یا خود را از آن پنهان سازیم. تنها می‌توانیم با آن روبرو شویم. **«مقرر است که انسان‌ها یکبار بمیرند و پس از آن رستاخیز خواهد بود» (عبرانیان ۹:۲۷).** خوشبختانه، خدایی در آسمان هست که فرموده است: **«نه تو را ترک خواهیم کرد و نه تو را به حال خود رها خواهیم ساخت» (عبرانیان ۱۳:۵).** ما نباید مرگ را به تنهایی روبرو کنیم. مسیح به ما اطمینان داده است که تا پایان زمان با ما خواهد بود.

در دوران معاونت جورج بوش پدر، او در مراسم تشییع جنازه رهبر کمونیست سابق روسیه، لئونید برژنف، شرکت کرد. او عمیقاً تحت تأثیر اعتراض خاموش بیوه برژنف قرار گرفت که تا کمی پیش از بستن تابوت، در سکوت کنار آن ایستاده بود. سپس، درست زمانی که سربازان در حال بستن درب تابوت بودند، همسر برژنف حرکتی سرشار از شجاعت و امید انجام داد — حرکتی که قطعاً باید در زمره عمیق‌ترین نمونه‌های نافرمانی مدنی به شمار رود: او خم شد و علامت صلیب را بر سینه همسرش کشید. آنجا، در دژ قدرت سکولار و بی‌خدا، همسر مردی که آن کشور را رهبری می‌کرد، امیدوار بود که شوهرش اشتباه کرده باشد. او امیدوار بود که زندگی دیگری وجود داشته باشد، که عیسی، مرده بر صلیب، بهترین نماد آن باشد، و که همین عیسی هنوز هم بتواند به شوهرش رحم کند. رهبر یک کشور کمونیستی در تلاش بود تا هرگونه آگاهی از مسیح و کلام او را از بین ببرد، و با این حال همسر او نیز یک مؤمن مخفی بود که در دلش افکاری جاودانه داشت.

در پیام امروز، می‌خواهیم آنچه را که خدا در مورد سرنوشت ما و ابدیتی که در انتظار ماست، آشکار می‌کند، به اشتراک بگذاریم. ما برای چیزی فراتر از این دنیا آفریده شده‌ایم. دشمنی به نام شیطان، در تلاش است تا ذهن ما را با نگرانی‌های دنیوی پر کند و سعی می‌کند افکار مربوط به زندگی غنی‌تر در مسیح را از بین ببرد. او می‌خواهد با متمرکز کردن ما بر آنچه در اطرافمان فیزیکی و مادی است، ما را سرگرم و ناتوان سازد. با این حال، خدا به ما یادآوری می‌کند که این زندگی موقتی است و ما در حال آماده‌سازی برای زندگی بعدی هستیم. عیسی اعلام کرد که حتی پس از مرگ نیز زندگی خواهیم کرد (یوحنا ۱۱: ۲۵). اگرچه ممکن است افکار مربوط به ابدیت را رد کرده و آنها را ساکت کنیم، اما نمی‌توانیم این آگاهی درونی را که مرگ پایان نیست، از بین ببریم. خدا در آسمان در تلاش است تا ما را به سوی خود هدایت کند و ما را فرا می‌خواند تا راهی به سوی خانه او بیابیم. **«ما خواهید جست و خواهید یافت، هرگاه با تمام قلب خود مرا بطلبید» (ارمیا ۲۹: ۱۳).** عیسی همچنین به حواریون خود گفت:

داستان بازرگان و بیوه زن نشان می‌دهد که مرگ حتمی است، اما امید ممکن است. وقتی به ابدیت فکر می‌کنی، آیا اضطراب بیشتری به تو می‌آورد یا آرامش بیشتری؟ چرا؟

راه خانه پدر

در خانه پدرم منزل‌های بسیاری است؛ اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم. من می‌روم تا برای شما جایی آماده کنم.^۲ وقتی رفتم و برای شما جایی آماده کردم، باز می‌گردم و شما را پیش خود می‌برم تا جایی که من هستم، شما نیز باشید.^۳ شما راه را می‌دانید که به کجا می‌روم.»^۴ ثوما به او گفت: «خداوندا، ما نمی‌دانیم به کجا می‌روی؛ چگونه

می‌توانیم راه را بشناسیم؟» عیسی پاسخ داد: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس به پیش پدر نمی‌آید مگر از طریق من» (یوحنا ۱۴:۶؛ تأکید اضافه شده).

مسیح گفت که باز خواهد گشت و مؤمنان را با خود خواهد برد. آیا راه خانه او را یافته‌ای؟ راه یک جهت نیست؛ بلکه یک شخص است، خود خداوند عیسی مسیح. او بهای گناه تو را پرداخته و تو را دعوت می‌کند تا او را در زندگی‌ات بپذیری و هدیه زندگی جاودان را بپذیری (افسیان ۲: ۸-۹). تنها زمانی می‌توانی اطمینان درونی بودن در خانه را بیابی که به شخص خداوند عیسی مسیح نزدیک شوی.

عیسی گفت: «هر که احکام مرا دارد و آنها را رعایت می‌کند، او مرا دوست می‌دارد. هر که مرا دوست بدارد، از جانب پدرم محبت خواهد دید و من نیز او را محبت خواهم کرد و خود را به او خواهم نمود» (یوحنا ۱۴:۲۱). ما محبت خود را به مسیح با اطاعت از احکام او نشان می‌دهیم. وقتی تمام آنچه را که مسیح برای شما انجام داده درک کنید، نمی‌توانید عاشق او نشوید. از ابتدا تا انتها، از پیدایش تا مکاشفه، می‌بینیم که خدا مردمی را از همه ملت‌ها به سوی خود می‌خواند: مردمی که به شناخت خدا می‌رسند، نه فقط به دانستن در مورد او، بلکه به شناخت او به طور صمیمی. صرف‌نظر از کشوری که در آن زندگی می‌کنید یا آنچه انجام داده‌اید، مسیح راهی را گشوده است تا شما بتوانید خدا را در یک رابطه نزدیک، صمیمی و محبت‌آمیز بشناسید.

وقتی از او پرسیده شد بزرگترین فرمان چیست، عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمام قلب و تمام جان و تمام ذهن خود دوست بدار» (متی ۲۲:۳۷). بیایید در این باره تأمل کنیم:

عیسی می‌گوید بزرگ‌ترین فرمان، محبت به خدا با تمام وجودمان است. عاشق شدن به «عروس‌داماد» (عیسی) چگونه شیوه اطاعت ما از «قوانین» او را نسبت به پیروی صرف از آنها از روی وظیفه، تغییر می‌دهد؟

راز کلیسا: عروس مسیح کیست؟

یکی از فیلم‌های مورد علاقه من «آخرین از موهیکان‌ها» است. دنیل دی-لوییس دوست‌دختری به نام کورا دارد که قرار است توسط قبیله‌ای از سرخپوستان جنگجو اسیر شود. تنها امید آنها برای دوباره رسیدن به یکدیگر این است که او دوست‌دخترش را ترک کند و بعداً به او و خواهرش بپیوندد. دنیل دی-لوییس به او می‌گوید: «پیدایت خواهم کرد؛ زنده بمان، هر چه پیش آید! فرقی نمی‌کند چقدر طول بکشد، فرقی نمی‌کند چقدر دور باشد. پیدایت خواهم کرد.» فکر می‌کنید ریشه‌ی حس رمانتیک ما از کجا آمده است؟ اشتیاق ما برای رمانتیک بودن از آسمان آمده است. خدای جهان به خاطر گناه مردمش از آنها جدا شده است (اشعیا ۵۹:۲). او در طول هزاران سال فریاد می‌زند و مشتاقانه می‌خواهد که دوباره با قوم خود متحد شود و آنها را به خانه در اورشلیم نو، ببرد، جایی که بتواند با آنها ساکن شود. دعوت او چیست؟ «آدم، کجا هستی؟» (پیدایش ۳:۹). آدم و حوا در نتیجه گوش دادن و اطاعت از دشمن، از حضور خداوند در باغ عدن پنهان شدند (پیدایش ۳:۸).

امروز بسیاری از مردم همچنان از خدا پنهان می‌شوند، و با این حال او آنها را می‌خواند و مشتاقانه آرزو دارد که پاسخ دهند و ریاکاری خود را که همچون پارچه‌های چرکین است، رها کنند. او آنها را دعوت می‌کند تا بیایند و به فیض او برای گناه، یعنی هدیه عدالت مسیح، دست یابند. مهم نیست چقدر طول بکشد یا چقدر خود را از او دور احساس کنید، او مشتاق است که به شما نزدیک شود اگر قلب خود را به روی او بگشایید. «هیچ‌کس نمی‌تواند نزد من بیاید مگر آنکه پدری که مرا فرستاده است، او را بکشاند و من در روز آخر او را زنده خواهم ساخت» (یوحنا ۶: ۴۴، تأکید اضافه شده است). خود این واقعیت که شما در حال خواندن این کلمات هستید، گواه این است که پدر در حال نزدیک کردن شما به خود است.

او چوپان بزرگ گوسفندان است، که در تپه‌ها به دنبال تنها گوسفندی می‌گردد که می‌داند از چوپان گله دور شده است (لوقا ۱۵:۴). او قوم خود را به نام می‌شناسد و صدا می‌زند و در طول زمان هر کاری کرده است تا به بشریت نیازش به یک نجات‌دهنده از گناه را نشان دهد. نقشه خدا شامل محبت‌آمیزترین کاری بود که هر کسی می‌تواند برای عزیزانش انجام دهد. او برای رهایی آنها از طبیعت گناه‌آلودشان، برایشان مرد. این عمل محبت، قوی‌ترین و قدرتمندترین نیروی جهان را به وجود می‌آورد: قدرت عشق، عشق آگاهی. این نوع عشق فداکارانه است و در کسانی که آن را دریافت می‌کنند، پاسخی عاشقانه

برمی‌انگیزد. خدا پسر خود را به جهان فرستاد تا قلب عروس خود را برای خویش فتح و تسخیر کند و در جستجوی نجات کسانی است که از او دور شده‌اند.

برای روشن شدن اینکه ما در نظر خدا چقدر خاص هستیم، پولس رسول در نامه‌اش به جماعت کورینت، عمداً کسانی را که به مسیح ایمان دارند، به عنوان کسانی توصیف می‌کند که برای ازدواج با خود مسیح مقرر شده‌اند:

من نسبت به شما حسودی می‌کنم، حسودی‌ای الهی. من شما را به یک داماد واحد، یعنی مسیح، نامزد کرده‌ام تا بتوانم شما را همچون دختری پاک و بی‌عیب به او تقدیم کنم (دوم قرنتیان ۱۱:۲).

رسول پولس خدمت خود را آماده‌سازی عروس مسیح می‌داند و اطمینان حاصل می‌کند که او برای روز عروسی پاک و بی‌عیب باشد. فارغ از اعمال گذشته‌ات یا هر جا که بوده‌ای، عروس داماد قدرت پاک‌سازی تو را دارد و تو را پاک و بی‌عیب می‌سازد. اگر به مسیح ایمان داری، جامهٔ عدالت و پاکی را که او بر کوه جلجتا برای تو خریده است، بر تن کرده‌ای. ازدواج میان یک مرد و یک زن نمادی از آنچه خدا در مسیح برای کلیسای خود، قوم خود، به انجام رسانده است، می‌باشد. او عروس خود را به بازگشت به خانه فرا می‌خواند.

پولس تنها کسی نیست که از این تشبیه ازدواج استفاده می‌کند. پیامبر اشعیا نوشت:

چنان‌که عروس داماد از همسرش شادمان می‌شود، خدای تو نیز از تو شادمان خواهد شد (اشعیا ۵:۶۲).

در یک عروسی، توجه بر شادی‌ای است که زوج برای یکدیگر احساس می‌کنند. آیا برایتان دشوار یا طبیعی است که باور کنید خدا واقعاً برای شما همان‌طور که داماد برای عروسش شاد می‌شود، شادمانه می‌شود؟ چرا درک این مفهوم برای بسیاری از ما دشوار است؟

نمادگرایی کتاب مقدس در ازدواج: از نامزدی تا پیوند

یکی از اولین نشانه‌های این پیوند آسمانی در یک مراسم عروسی، ترک پدر و مادر توسط عروس برای یکی شدن با داماد آینده‌اش است. پولس رسول در نامه‌ای دیگر در مورد یکی شدن با مسیح، در حالی که به ازدواج می‌پردازد، می‌نویسد:

«به همین سبب مرد پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به همسرش می‌پیوندد و آن دو یک تن می‌شوند.» این یک راز عمیق است، اما من دربارهٔ مسیح و کلیسا سخن می‌گویم (افسیسیان ۳۱:۵-۳۲).

پولس در دو سطح سخن می‌گوید: اتحاد یک مرد و همسرش در یک ازدواج عهدی و رابطه الهی میان مسیح و کلیسای او. هنگامی که در عیسی زندگی نو می‌یابیم، به‌طور اسرار آمیزی به مسیح به‌عنوان بخشی از یک پیوند ارگانیک متصل می‌شویم. او گفت: «من تاک هستم، شما شاخ‌ها هستید...»^۴ در من بمانید، همان‌طور که من نیز در شما می‌مانم. هیچ شاخی نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد؛ باید به تاک متصل بماند. شما نیز اگر در من بمانید، نمی‌توانید میوه دهید» (یوحنا ۱۵: ۱؛ ۴). علاوه بر این، عروس نام خانوادگی داماد را برمی‌گزیند. ما «مسیحی» نامیده می‌شویم و کتاب مقدس اشاره می‌کند که نام او را بر پیشانی خواهیم داشت (مکاشفه ۲۲:۴). این نماد پیوند ارگانیک ما با مسیح است، با روح او که در ذهن و جان ما ساکن است.

یک حلقه در انگشت نماد چیست؟ می‌تواند نماد زندگی ابدی باشد، درست مانند دایره‌ای که هرگز پایان نمی‌یابد. در ازدواج، هر آنچه به داماد تعلق دارد، به عروس نیز تعلق دارد. به همین ترتیب، منابع آسمان به کلیسا، عروس مسیح، عطا شده است. ما فقط باید از او بخواهیم، همان‌طور که او وعده داده است: «هر آنچه به نام من بخواهید، آن را انجام خواهم داد تا پسر برای پدر جلال بیاورد» (یوحنا ۱۴:۱۳). او هیچ چیز را از عروس خود پنهان نکرده است. کتاب مقدس می‌گوید: «او هر آنچه برای زندگی و پارسایی لازم است به ما عطا کرده است» (دوم پطرس ۱:۳). عروس همچنین لباس سفید می‌پوشد که نماد پاکیزگی است، درست همان‌طور که عروس مسیح در روز عروسی لباس نخی ظریف خواهد پوشید — روشن و پاک.

«سپس صدایی شنیدم که گویی از جمعیت عظیمی بود، مانند غرش آب‌های خروشان و غرغر صاعقه‌های سهمگین، و فریاد می‌زد: «هللویا! زیرا خداوند خدای قادر متعال ما سلطنت می‌کند.» شادمانه باشیم، خوشحال باشیم و جلال را به او دهیم! زیرا عروسی بره فرا رسیده است و همسرش آماده شده است. ^۸ به او داده شده است تا جامهٔ کتان ریسمان‌دار درخشان و پاک بپوشد.» (کتان ریسمان‌دار نمایانگر اعمال صالح قدیسان است (مکاشفه ۱۹: ۶-۸).

می‌دانیم که نجات هدیه‌ای از جانب خداست و او کلیسای خود را تقدیس می‌کند (برای خود جدا می‌سازد)، اما نقش ما در تقدیس خود چیست؟ چگونه باید خود را آماده کنیم؟ (آیهٔ ۷).

احساسات و افکار خود را در آن روز تصور کنید، در حالی که بخشی از آن جمعیت عظیم هستید که برای خدا «آلویا» فریاد می‌زنند. تصور کنید بدانید که مبارزهٔ ایمانی شما به پایان رسیده و در شرف پیوستن به جشن عروسی بره هستید! چگونه می‌توان چنین رابطهٔ صمیمانه‌ای با خدا را آرزو نکرد؟ صدای همهٔ آن آواها چنان بلند بود که به «آب‌های بسیار» می‌مانست؛ به همین ترتیب، شادی رستگاران خداوند نیز بی‌نهایت خواهد بود. آیا می‌توانید شادی را بر چهره عیسی تصور کنید، زمانی که در آن روز به او خواهیم نگریم؟ **«به خاطر شادمانی‌ای که در پیش روی او نهاده شده بود، صلیب را با تحقیر ننگ آن تحمل کرد و در دست راست تخت خدا نشسته است» (عبرانیان ۱۲: ۲).** خداوند شما را خواهد نگریم، در حالی که نتیجهٔ مرگ فداکارانه‌اش را می‌بیند؛ همان کار نجات‌بخش که او بر روی صلیب برای قوم خود به انجام رساند. سخنان سی. اچ. اسپرجون را به عاریت می‌گیرم:

عروسی بره نتیجهٔ بخشش ابدی پدر است. خداوند ما می‌گوید: «آنها از آن تو بودند و تو آنها را به من دادی». دعای او این بود: «ای پدر، می‌خواهم کسانی را که به من داده‌ای، نیز با من در جایی که من هستم باشند. تا بتوانند جلالی را که تو به من داده‌ای، نظاره کنند، زیرا پیش از بنیان جهان مرا دوست داشتی». پدر انتخابی انجام داد و برگزیدگان را به عنوان سهم خویش به پسرش بخشید. برای ایشان، او پیمانی برای رستگاری بست، که بر اساس آن متعهد شد در زمان معین، طبیعت ایشان را بر عهده گیرد، بهای گناهانشان را بپردازد و ایشان را آزاد سازد تا از آن او باشند. ای عزیزان، آنچه در محافل ابدیت مقرر شده و در آنجا میان طرفین متعهد عالی‌رتبه توافق گردیده است، در روزی که کمال نهایی خود می‌رسد که بره همه کسانی را که پدر از ازل به او داده است، در اتحاد ابدی به سوی خود می‌پذیرد.

علاوه بر این، این تحقق کامل نامزدی است که در زمان مناسب با هر یک از آنها صورت گرفت. قصد ندارم به تفصیل در مورد تفاوت‌ها بحث کنم. با این حال، در مورد شما و من، خداوند عیسی ما را در زمان ایمان آوردنمان به او برای اولین بار، به عدالت نامزد خویش ساخت. سپس ما را از آن خود دانست و خود را فدا کرد تا از آن ما باشد، تا بتوانیم بخوانیم: «عزیزم از آن من است و من از آن اویم». این جوهر ازدواج بود. پولس، در نامه به افسسیان، پروردگار ما را همچون کسی که پیش از این با کلیسا ازدواج کرده است، به تصویر می‌کشد. این موضوع را می‌توان با رسم خاورمیانه‌ای نشان داد که بر اساس آن، هنگامی که عروس به ازدواج وعده داده می‌شود، تمام قداس‌های ازدواج در آن وعده‌ها نهفته است. ممکن است فاصله قابل توجهی وجود داشته باشد تا عروس به خانه شوهر برده شود. او با خانواده پدری خود زندگی می‌کند و هنوز خویشاوندان و خانه پدرش را فراموش نکرده است، هر چند که در حقیقت و عدالت به ازدواج او وعده داده شده است. سپس، در روزی معین به خانه شوهر برده می‌شود؛ روزی که باید آن را خود مراسم ازدواج نامید. با این حال، در این فرهنگ، نامزدی خود جوهر ازدواج است.^۱

اورشلیم نو: نگاهی به مسکن ابدی ما

در ازدواج‌های خاورمیانه‌ای، داماد وظیفه دارد خانه‌ای را که زوج پس از ازدواج در آن زندگی خواهند کرد، آماده یا بسازد. اکنون به مکانی که خدا برای دوستداران خود آماده کرده است، می‌نگریم:

اسپس آسمان جدید و زمین جدید را دیدم، زیرا آسمان اول و زمین اول ناپدید شده بودند و دریا دیگر وجود نداشت.^۲ شهر مقدس، اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان نزد خدا فرود می‌آمد، آراسته همچون عروسی که برای دامادش به شکلی باشکوه لباس پوشیده است.^۳ و صدای بلندی از تخت شنیدم که می‌گفت: «اینک مسکن خدا با انسان‌ها است و

^۱ <http://www.ccel.org/ccel/spurgeon/sermons35.xxxv.html>

او با ایشان خواهد ماند. ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود.»^۹ او هر اشکی را از چشم‌هایشان خواهد زدود. دیگر مرگ و ماتم و گریه و رنج نخواهد بود، زیرا آنچه پیشین بود گذشته است.»^{۱۰} آن که بر تخت نشسته بود گفت: «اینک، من همه چیز را نو می‌سازم!» سپس افزود: «بنویس، زیرا این سخنان امین و راستین‌اند.»^{۱۱} و به من گفت: «انجام یافت. من الف و امگا، ابتدا و انتها هستم. به تشنه‌ها آب حیات را مجانی خواهم داد.»^{۱۲} کسی که پیروز شود، وارث همه این خواهد بود و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱-۷، تأکید اضافه شده).

شهر مقدس از بالا فرود می‌آید. توجه کنید که این چیزی نیست که ما بر روی زمین بسازیم، بلکه چیزی است که مسیح آفریده و برای قومش بر زمین فرود می‌آید. این واشنگتن جدید یا لندن جدید نیست؛ این اورشلیم نو است، جایی که خدا وعده داده تا برای همیشه در آن ساکن شود. او به سلیمان گفت که نام خود را برای همیشه در اورشلیم نهاده است. «چشم‌ها و قلب همیشه در آنجا خواهد بود» (۱ پادشاهان ۹: ۳).

اورشلیم نو فرود می‌آید، آراسته همچون عروس (آیه ۲). نمی‌توانم این آیه را توضیح دهم؛ برخی آن را به این معنا تفسیر می‌کنند که خود شهر عروس است. کسانی که از این دیدگاه حمایت می‌کنند، به ما یادآوری می‌کنند که ما همچون سنگ‌های زنده در یک معبد بنا شده‌ایم: «شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، در یک خانه روحانی بنا شده‌اید تا یک کاهن تبار مقدس باشید، که قربانی‌های روحانی خوشایند خدا را از طریق عیسی مسیح عرضه می‌کنند» (اول پطرس ۲: ۵). با این حال، برای پاسخ به این استدلال، در مکاشفه ۲۷: ۲۱ آمده است که کسانی که نامشان در کتاب حیات بره نوشته شده است، در آن ساکن خواهند شد، نه اینکه خود شهر باشند! خود خدا با آنها خواهد زیست. این شهر محل سکونت ما خواهد بود و خود خدا با ما خواهد ماند. ببایید آنچه را که یوحنا در کتاب مکاشفه می‌نویسد بخوانیم:

«بیا تا تو را به عروس، زن بره، نشان دهم.»^{۱۰} او مرا به روح بر فراز کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدس، اورشلیم را که از آسمان از جانب خدا فرود می‌آمد، به من نشان داد.^{۱۱} از جلال خدا می‌درخشید و درخشش آن مانند سنگ گرانبهایی بود، شبیه یاقوت سرخ و شفاف چون بلور.^{۱۲} آن دیوار بزرگ و بلند بود که دوازده دروازه داشت و بر دروازه‌ها دوازده فرشته ایستاده بودند. روی دروازه‌ها نام دوازده قبیله اسرائیل نوشته شده بود.^{۱۳} سه دروازه در شرق، سه در شمال، سه در جنوب و سه در غرب بود.^{۱۴} دیوار شهر دوازده پایه داشت و روی آن‌ها نام دوازده حواری بره نوشته شده بود.^{۱۵} فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت، یک میله طلایی داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوارهای آن را اندازه بگیرد.^{۱۶} شهر به صورت مربع بود، طولش به اندازه عرضش بود. او شهر را با آن میله اندازه گرفت و یافت که طولش دوازده هزار stadiy و عرض و ارتفاعش به اندازه طولش بود.^{۱۷} او دیوارهای آن را اندازه گرفت و یافت که ضخامت آنها ۱۴۴ ذراع است، به اندازه انسانی که فرشته به کار می‌برد.^{۱۸} دیوارها از یاقوت سرخ و شهر از طلای خالص، شفاف همچون شیشه، ساخته شده بود.^{۱۹} پی‌های دیوارهای شهر با هر نوع سنگ قیمتی مزین شده بود. بنیاد اول از یشم، دوم از یاقوت کیود، سوم از عقیق، چهارم از زمرد،^{۲۰} پنجم از عقیق سرخ، ششم از عقیق سرخ مایل به زرد، هفتم از یاقوت سرخ، هشتم از بریل، نهم از توپاز، دهم از کریسوپراز، یازدهم از یاقوت کیود و دوازدهم از آمیتیست بود.^{۲۱} دوازده دروازه از دوازده مروارید بودند، و هر دروازه از یک مروارید واحد ساخته شده بود. راه اصلی شهر از طلای خالص بود، مانند شیشه‌ای شفاف.^{۲۲} هیچ معبدی در شهر ندیدم، زیرا خداوند خدای قادر متعال و بره معبد آن هستند.^{۲۳} شهر به خورشید یا ماه نیاز ندارد تا آن را روشن کنند، زیرا جلال خدا آن را روشن می‌سازد و بره چراغ آن است.^{۲۴} ملت‌ها در روشنایی آن خواهند پیمایند و پادشاهان زمین شکوه خود را به آن خواهند آورد.^{۲۵} دروازه‌های آن هرگز بسته نخواهند شد، زیرا در آنجا شب نخواهد بود.^{۲۶} جلال و افتخار ملت‌ها به آنجا آورده خواهد شد.^{۲۷} هیچ چیز ناباک هرگز وارد آن نخواهد شد، و نه هیچ‌کس که اعمال شرم‌آور یا فریبکارانه انجام دهد، بلکه تنها کسانی که نامشان در کتاب حیات بره نوشته شده است (مکاشفه ۲۱: ۹-۲۷؛ تأکید اضافه شده).

یوحنا شهری را توصیف می‌کند که دیگر هیچ اشکی، مرگی یا دردی در آن نیست. در مرحله کنونی زندگی‌ات، کدام یک از این «عدم‌ها» را با بی‌صبری بیشتری انتظار می‌کشی و این امید چگونه شیوه مواجهات با دشواری‌های امروز را تغییر می‌دهد؟

تصور اورشلیم نو: ابعاد و معنا

دیوارهایی که شهر را احاطه کرده‌اند، ضخامتی برابر با ۱۴۴ ذراع (حدود ۲۱۶ فوت) دارند. اورشلیم نو در طول و عرض ۱۲,۰۰۰ استادیون است که قطر آن در هر دو جهت ۱,۴۰۰ مایل (۲,۲۵۳ کیلومتر) می‌شود. این منطقه از کالیفرنیا تا کوه‌های آپالاش و از کانادا تا مکزیک امتداد دارد و تقریباً دو میلیون مایل مربع (۵,۱۷۹,۹۷۶ کیلومتر مربع) را در بر می‌گیرد. ارتفاع شهر با عرض و طول آن برابر است (آیه ۱۶). اگر هر طبقه ۱۲ فوت ارتفاع داشته باشد، این شهر ۶۰۰,۰۰۰ طبقه خواهد داشت که می‌تواند میلیاردها ساکن را با فضای فراوان برای هر یک از آنها در خود جای دهد. شکل آن یک مکعب کامل است. در داخل معبد سلیمان، اتاقی بود که تنها کاهن اعظم سالی یکبار وارد آن می‌شد و خون قربانی را از پشت پرده سنگینی که انسانیت را از حضور خدا جدا می‌کرد، به داخل می‌برد. این پرده هنگام مرگ مسیح از بالا تا پایین دریده شد (متی ۲۷:۵۱). قدس الاقداس، جایی که خدا در آن ساکن بود، مکعبی به طول بیست ذراع بود (۱ پادشاهان ۶: ۲۰).

ابعاد اورشلیم نوین، بازتاب‌دهنده آرزوی خدا برای زندگی ابدی انسان با اوست. این ابعاد، عروس او را که به حضور خداوند دعوت شده تا از همنشینی ابدی در قدس‌القداسان لذت ببرد، به تصویر می‌کشند. چقدر باید برای حواری یوحنا، همان کسی که مکاشفه را نوشت، زیبا بوده باشد که نام خود را بر یکی از سنگ‌های بنیاد ببیند (مکاشفه ۲۱: ۱۴). ما هنوز نمی‌دانیم تلاش‌های ما برای مسیح در این جهان چه تأثیری بر دیگران داشته است؛ تنها خدا این را می‌داند. با این حال، یوحنا می‌تواند شهادت دهد که زندگی او برای ابدیت تفاوت ایجاد کرده است.

این پاسخ به دعای عیسی است: «... تا همه یکی باشند، ای پدر، چنانکه تو در من هستی و من در تو هستم. ایشان نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای» (یوحنا ۱۷: ۲۱). اورشلیم نو مکانی است که در آن مسیح ابدیت را با عروس خود می‌گذراند: مکانی از اتحاد قلب و ذهن، جایی که ما برای همیشه با او زندگی خواهیم کرد.

چهره‌اش را خواهند دید و نام او بر پیشانی‌شان خواهد بود (مکاشفه ۲۲: ۴).

چگونه برای عروسی بره آماده شویم

آیا شروع به درک ارزشی کرده‌اید که خود خدا برای شما قائل است؟ داوود پرسید: «انسان چیست که تو به او توجه کنی؟» ما برای خدا چقدر خاص هستیم، زیرا در میان تمام مکان‌های جهان که خداوند خدای قادر متعال و پسرش می‌توانند در آن ساکن شوند، خدا انتخاب می‌کند که با انسان در اورشلیم نو ساکن شود. مهم نیست کجا هستید یا چه کرده‌اید، صلیب مسیح بخشش شما را به دست آورده است. خدای آسمان مشتاقانه می‌خواهد که شما به خانه او بیایید و برای همیشه با او زندگی کنید. این دعوت متوجه شما و خانواده‌تان است. هیچ کاری نیست که بتوانی برای کسب آن انجام دهی، زیرا این صرفاً به واسطه فیض، یعنی لطف شایسته‌نشده خداست. آیا زندگی‌ات را به او می‌سپاری؟ او می‌خواهد بدانی که بهشت جایگاه ابدی توست.

چگونه امروز همچون عروس زندگی کنیم

شناخت مقصد ما، نحوه پیمودن مسیر را تغییر می‌دهد. در اینجا سه روش برای به کار بستن این مطالعه در زندگی خود در این هفته آورده شده است:

- ۱. **حضور را تمرین کنید، نه فقط عملکرد را:** اگر ما عروس هستیم، «وظیفه» اصلی ما باقی ماندن در ارتباط با داماد است. این هفته، هر صبح ۵ دقیقه را نه به درخواست چیزهایی از خدا، بلکه صرفاً به شکرگزاری از او برای محبتش اختصاص دهید.
- ۲. **«جامه سفید» خود را بپوشید:** متن به عروسی که کتان ریز می‌پوشد اشاره می‌کند که نماد «اعمال صالح» است. کاربرد آن این نیست که بی‌نقص باشید؛ بلکه این است که از خود بپرسید: «آیا این انتخاب، شخصیت کسی را که قرار است با او ازدواج کنم منعکس می‌کند؟» اجازه دهید تمامیت شما، چه در محل کار و چه در خانه، جامه عروسی شما باشد.
- ۳. **همچون یک «شهروند مکعب» زندگی کنید:** اورشلیم نو عظیم است و تمام ملت‌ها را در بر می‌گیرد. اگر این خانه ابدی ماست، باید همین حالا شروع به زندگی کردن به عنوان همسایگان کنیم. به کسی که با شما متفاوت است یا در روح خود «بی‌خانمان» احساس می‌کند نزدیک شوید و دعوت به خانه پدر را با او در میان بگذارید.

پاسخ شما به کلام خدا چیست؟ شاید امروز بخواهید دعای ساده‌ای بخوانید، با ایمان و اعتماد به مسیح و کار کامل او بر صلیب. در اینجا یک دعای ساده برای اعتماد کردن آورده شده است:

دعا: پدر، با تمام وجودم ایمان دارم که عیسی آمد تا به من حیات بخشد. امروز اعتماد خود را به او و به کار کفاره‌ای که به جای من بر روی صلیب انجام داد، می‌سپارم. من گناه کرده‌ام و در زندگی‌ام خطاهایی مرتکب شده‌ام. از گناهانم فاصله می‌گیرم و مشتاقم با مسیح راه بروم. سپاسگزارم که پسر تو را به جهان فرستادی تا مرا از گناهانم نجات دهی. ای خداوند عیسی، مرا ببخش و وارد زندگی‌ام شو. مرا از گناهانم پاک ساز. می‌خواهم امروز تو را بپذیرم. آمین!

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>